

چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی ارتقای کیفیت آموزشی و راهکارهای دستیابی به آن

مریم نوربخش نویسنده مسئول¹، فائزه موسوی نویسنده دوم²، زهرا موسوی قیداری نویسنده سوم³، فائزه نجفی شهبازی نویسنده چهارم⁴

¹ کارشناسی، آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان الزهرا(س)
 زنجان، اداره آموزش و پرورش منطقه زنجانرود
maryam.noorbakhsh17@gmail.com

² کارشناسی، آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان الزهرا(س)
 زنجان، اداره آموزش و پرورش منطقه ایجرود
Fae.mousavi77@gmail.com

³ کارشناسی، آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان الزهرا(س)
 زنجان، اداره آموزش و پرورش منطقه بزینهرود
zmousavi706k@gmail.com

⁴ کارشناسی، آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان الزهرا(س)
 زنجان، اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲ زنجان
faezeh.najafiii78@gmail.com

چکیده:

این پژوهش با هدف بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی ارتقای کیفیت آموزشی و راهکارهای دستیابی به آن انجام گرفت. این تحقیق با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی و به صورت علمی مروری انجام گرفته است و از طریق مطالعه کتابخانه‌ای - اسنادی بوده است. تحولات سریع تکنولوژی و افزایش حجم سرمایه‌گذاری در تولید کالا و خدمات و به تبع آن، رشد سریع اقتصادی به ویژه در اواسط قرن بیستم، گسترش مدارس مراکز آموزش، افزایش چشمگیر جمعیت دانش‌آموزی را در کشورهای توسعه یافته به دنبال داشت. جهان، در حال عبور از دوران اقتصاد صنعتی به عصر اقتصاد دانش است. مهمترین ویژگی این عصر را می‌توان مبتنی بودن کلیه فعالیت‌های اقتصادی بر انواع فعالیت‌های دانشی دانست. در دنیای امروز توسعه علمی به یک امر جهانی تبدیل شده و همه کشورها می‌توانند در فرایند تولید علم جهانی مشارکت داشته باشند. برای نقش آفرینی در عرصه علم جهانی، مدارس باید از استانداردها و کیفیت بالای آموزش و پرورش برخوردار باشند. امروزه توجه جدی به امر مهم آموزش و پرورش از اهداف کلیدی و مهم دولت‌ها محسوب می‌شود. مخصوصاً افزایش کمی دانش‌آموزان با توجه به کمبود امکانات و منابع کیفیت بخشی به امور آموزشی و پرورشی را در اولویت اول برنامه‌ها قرار داده است. راهکارهای افزایش بهره‌وری مستلزم شناخت کافی وضعیت موجود در مدارس و فرهنگ کاری حاکم بر آنها است. بی‌شک ارتقای بهره‌وری در مدرسه نیازمند مشارکت همه جانبه تمامی افراد جامعه به ویژه مسئولین، کارکنان آموزشی، دانش‌آموزان و اولیای آنها است.

واژگان کلیدی: کیفیت، ارتقا، کیفیت آموزشی، معلم، آموزش و پرورش

1. مقدمه:

هر جامعه برای بقای و تداوم حیات خود، ناگزیر به رفع برخی نیازهای اساسی نظیر نیازهای اقتصادی، زاد و ولد، آموزش و پرورش و ایجاد نظم و امنیت عمومی بوده است. بنابراین در جهت رفع این نیازها به تدریج نهادهایی نظیر خانواده، آموزش و پرورش و... ایجاد شده‌اند. از بین نهادهای اجتماعی نهاد آموزش و پرورش قدمتی چند هزار ساله دارد. بنابراین آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی برآمده از متن جامعه و در عین حال سازنده و تکامل‌دهنده آن است و تأثیر آن در پیشرفت جامعه، امری کاملاً محسوس است. آموزش و پرورش، مسئولیت‌های بزرگی برای تحقق اهداف فردی و اجتماعی برعهده گرفته است و به‌عنوان بهترین فرصت برای شکوفاسازی استعدادهای انسانی مطرح و موردنظر متخصصین و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت بوده است (شاهدوستی، 1390).

کمال انسان در گرو تربیت صحیح می باشد و آموزش و پرورش وسیله رسیدن آدمی به نهایت شرف انسانی است. کانت فیلسوف شهیر قرن هیجدهم معتقد است: «بشر تنها با تعلیم و تربیت آدم تواند شد و آدمی چیزی جز آنچه تربیت از او می سازد، نیست. از این رو مسئله تعلیم و تربیت بزرگترین و دشوارترین مسئله ای است که انسان با آن درگیر است.» نظام آموزش و پرورش مسئولیت عظیم باروری و شکوفایی استعدادها و توانایی نسل کنونی و آتی جامعه را برای نیل به توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به عهده دارد. امروزه نقش تعلیم و تربیت به عنوان یکی از عوامل اصلی بهبود استانداردهای زندگی و رشد و توسعه جوامع انسانی بر هیچ کس پوشیده نیست. آموزش و پرورش از مهمترین نهادهای اجتماعی می باشد. در واقع، کیفیت فعالیت سایر نهادهای اجتماعی تا اندازه زیادی به چگونگی عملکرد آموزش و پرورش بستگی دارد. آموزش و پرورش در پروراندن فرد و در بالنده کردن جمع نقش حیاتی دارد (ندیمی و بروج، 1380).

امروزه و در قرن 21 توجه جدی به امر مهم آموزش و پرورش از اهداف کلیدی و مهم دولتها محسوب می شود. مخصوصاً افزایش کمی دانش آموزان با توجه به کمبود امکانات و منابع کیفیت بخشی به امور آموزشی و پرورشی را در اولویت اول برنامه ها قرار داده است. بدون شک در حرکت به سمت جهانی شدن، کیفیت یک عامل تاثیرگذار است. در روند توسعه صنعت و بازرگانی، یکپارچگی اقتصاد جهانی و رشد و اشباع بازار، کیفیت نقش اصلی را ایفا کرده و یکی از مهمترین عامل های رقابت سازمان و موفقیت در بازارهای ملی، منطقه ای و جهانی به شمار می آید (امیری و بهجتی، 1382). کیفیت مهمترین معیار توسعه آموزش و پرورش است. موضوع کیفیت در اکثر نظامهای آموزشی به یکی از مفاهیم اساسی در سیاست گذاری های کلان آموزشی تبدیل شده است. و از این رو کیفیت گرایی به منزله مرحله مهمی از تاریخ تحولات آموزش و پرورش مطرح شده است. کیفیت در حال حاضر یکی از محورهای اصلی همه مباحث آموزشی است و ارتقای آن مهمترین وظیفه وزارت آموزش و پرورش است. حتی ارتقای کیفیت نظام تعلیم و تربیت به منزله هدف غایی برخی مراکز پژوهشی آموزش و پرورش کشورمان دیده شده است (یمینی، 1375).

کیفیت در آموزش یک نقطه ثابت و ایستا نیست بلکه یک حرکت و یک هدف استراتژیک و یک وظیفه اسلامی است. و یکی از مسأله های اساسی که مؤسسات آموزشی کشور با آن مواجه هستند. امروزه شاهد تغییرات و تحولات جدی در عرصه فناوری هستیم و مدرسه به سبب رسالت و تعهداتی که نسبت به جامعه دارد باید از یکسو برای بقا و اثر بخشی خود تلاش کند و از سوی دیگر با توجه به نقشی که در جوامع به عنوان الگو و قالب سایر سازمان ها دارد، باید در جهت ایجاد بستری مناسب برای اثر بخش کردن سازمان های دیگر برنامه ریزی کند، تا با شیوه های جدیدو کارآمد بتواند با ارائه محصول و خدمات خود به جامعه نتیجه ارزشمندی را به بار آورد. عدم تعهد و سازگاری به موقع مدرسه با محیط پیرامون سبب اختلال و تنش در ایفای کارکردهای مدرسه خواهد شد. لذا یکی از الگوهای جدید رویکرد سیستمی به نظام مدارس می باشد که در این رویکرد مؤلفه مشتری گرایی و نتیجه گرایی نقش کلیدی و اساسی در کیفیت خروجی سیستم دارند. کیفیت، مفهومی است پیچیده، پویا و چندبعدی که اغلب تعریف آن، تابع مجموعه ای از عوامل و شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است (سالاری، 1396).

هدف تمامی نظام های آموزشی، برپا کردن مدارس خوب و با کیفیت است. کیفیت مدارس مستلزم تلاش و کار جمعی و هماهنگی کلیه پارامترهای داخلی و خارجی نظام مدرسه است. از میان بخش های گوناگونی که در آموزش و پرورش به طور رسمی فعال هستند، مدرسه ها عموماً و دوره متوسطه خصوصاً به عنوان یک نهاد اجتماعی حساس، نقش مهمی در تحقق هدف های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر عهده دارند و لازمه تحقق این هدف ها، ایجاد و تقویت محیط های جذاب و با کیفیت است (ربیعی، 1387).

مدارس به عنوان پایدارترین شکل نهاد آموزش و پرورش همواره در معرض پرسش هایی در قبال کیفیت خود بوده اند. تحقق مدرسه ی با کیفیت در ترکیب با مفهوم مدیریت کیفیت، سازه ای گسترده و چند بعدی است که مستلزم بازآرایی ساختار مدارس و بهبود محصولات و خدمات مدرسه، مشارکت همه جانبه و ایجاد فضای اطمینان بخش برای همه گروه های ذی نفع مدرسه است (خلخالی و قهرمانی، 1391). کیفیت مدارس و عوامل مؤثر بر آن مسأله ای بسیار مهم است که مرکز توجه متخصصان تعلیم و تربیت بوده است. عواملی همچون خانواده، محیط زندگی، مدرسه و خدمات مدرسه، معلمان، مدیران، برنامه آموزشی (شاهدوستی، 1390) دانش آموز، قوانین و مقررات مدرسه، جو مدرسه، فرهنگ مدرسه، انتظارات جامعه از مدرسه (لای و چینگ، 2011) نیروی انسانی متخصص و متعهد، مدیریت آموزشی قوی، ویژگی های فراگیران، فرایندهای یادگیری و یاددهی (حبیبی و همکاران، 1392)، همچنین کیفیت معماری در محیط های یادگیری (خسروجردی و محمودی، 1392). محققان به پیچیدگی ارتباط بین شکل و خواص فیزیکی مدارس و آموزش و یادگیری را پی برده اند. در واقع فضای ظاهری خوب و کافی، تجهیزات و میز و صندلی مناسب، محیط تمیز و منظم، باعث احساس خوب دانش آموزان شده و در نتیجه در آموزش و یادگیری تأثیرگذار است (یولین و تسچنین - موران، 2007). این عوامل و خیلی از عوامل دیگر در اثر بخشی کیفیت مدارس دخیل اند. پس باید همه عوامل در نظر گرفته شوند جامعه اگر بخواهد همگام با پیشرفت

علمی جهان حرکت کند باید نقش این عوامل بها دهد و هرگز از تأثیر عوامل چندگانه غافل نشود. زیرا که نادیده گرفتن عوامل فوق در حقیقت سرمایه گذاری بدون هدف و برنامه در آموزش است که به خسارات جبران ناپذیر در سرمایه های انسان منجر می شود (شاهدوستی، 1390).

مهم ترین مسائل آموزش و پرورش به طور اعم و آموزش متوسطه به طور اخص جمع آوری شده که بعضی از آن عبارتند از: نداشتن سیاست های اصولی برای حفظ، نگهداری و ارتقای کیفی و شغلی نیروی انسانی، تمرکز اداری قابل توجه و تنگناهای اداری، ارائه ندادن آموزش های ضمن خدمت با کیفیت مطلوب، بی توجهی به سبک یادگیری و ویژگی های شخصیتی شاگردان، یکسان بودن روش ها و امکانات آموزش با نیازهای اقتصادی - اجتماعی جامعه، غیراستاندارد بودن فضای آموزشی، عدم استفاده ی پیوسته و پویا از وسایل کمک آموزشی، عدم تحقق هدف ها و مأموریت ها، دشوار شدن برنامه ریزی و بودجه بندی به علت رشد متناسب منابع با نیازهای کمی و کیفی آموزش و پرورش، ضعف توان علمی و تخصصی معلمان و فقدان آموزش های تخصصی و مستمر، نبود شبکه ی تبادلات علمی تخصصی و کم توجهی به قلمرو حرفه ای - تخصصی مدیریت و رهبری آموزشی (کاکوجویاری، 1382). پس همه این مسائل ما را به فکر فرو می برد که دلیل این همه مشکلات مربوط به چه می تواند باشد؟ همه این مسائل به کیفیت مدارس بر می گردد. کیفیت نظام آموزشی نقش تعیین کننده ای در پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و توسعه پایدار کشور دارد. بنابراین از اولویت ویژه ای برخوردار است. اقدام برای اصلاح کیفیت آموزشی مستلزم تحول در برنامه درسی، فرایند آموزشی - یادگیری و نحوه تدریس معلمان و مدیریت مدیران و ارزشیابی دانش آموزان می باشد. با توجه به شواهد آشکار در نارسایی کیفیت مدارس در هدایت رشد همه جانبه دانش آموزان، دست اندکاران تعلیم و تربیت باید به فکر چاره ای در این زمینه باشند (شاهدوستی، 1390).

شناسایی مؤلفه های کیفیت که محوری ترین موضوع این پژوهش را تشکیل می دهد با شناسایی این مؤلفه ها از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت، مدیران، دست اندر کاران و برنامه ریزان تعلیم و تربیت می توانند کیفیت مدارس را بسنجند و عوامل مهم را تشخیص و به آن ها اولویت بدهند و خط فکری مناسبی را جهت بهبود فعالیت های مدارس داشته باشند و فعالیت های مدرسه ای را به گونه ای سامان بخشند که کیفیت پایدار تحقق یابد و این کار تنها از راه پدید آوردن مدارس کیفی در عمل امکان پذیر است.

2. روش شناسی تحقیق:

روش شناسی، استراتژی، برنامه کار، فرایند یا طرحی است که در پشت انتخاب روش مورد استفاده ما نهفته است و روش شناسی است که انتخاب و استفاده محقق را به نتایج مطلوب متصل می کند (بلیکی، 1391). چون تجزیه و تحلیل اطلاعات در اشکال مختلف غیر کمی یا غیر مقداری هستند و مداخله کنترلی از سوی محقق اعمال نخواهد شد، مدل تحلیل این پژوهش، تحلیل توصیفی است. پژوهش تحلیلی، پژوهشی است که بر اساس آن، اطلاعاتی که از طریق بررسی اسناد، مدارک و کتاب به دست آمده است، به گونه ای سامان دهی می شود که به پرسش های پژوهش پاسخ داده شود (بازرگان و همکاران، 1391).

به منظور رسیدن به اهداف پژوهش، برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش، از روش مطالعه ی کتابخانه ای و اسنادی و بررسی منابع چاپی و الکترونیکی استفاده شد.

از سوی دیگر از آنجا که در این پژوهش، اطلاعات و داده ها از طریق مطالعه و خواندن مواد چاپ شده از قبیل کتب و اسناد و مدارک و مقالات موجود در کتابخانه ها، وب سایتهای علمی پژوهشی و ... جمع آوری گردیده، روش انجام تحقیق کار پشت میزی یا کتابخانه ای و به صورت کیفی می باشد. منظور ما از روش تحقیق کیفی رویه تحقیقی است که یافته های آن از طریق داده های آماری و یا کمی به دست نیامده باشد (محمدی، 1390). تحقیق کیفی با معانی، مفاهیم، تعاریف، نمادها و توصیف ویژگی ها سروکار دارد. در این روش تأکید بر تعبیری و تفسیری بودن مفاهیم مفروض است.

جامعه آماری پژوهش:

در این تحقیق جامعه آماری پژوهش شامل موارد زیر است: کتاب های موجود در کتابخانه ها و مراکز تحقیقاتی، مقالات و نشریات مرتبط با موضوع درس پژوهی می باشد.

روش ها و ابزار گردآوری اطلاعات:

در این مطالعه، برای گردآوری داده ها از روش های پژوهش توصیفی و موردکاوی استفاده شده است. همچنین در این پژوهش از منابع دست دوم شامل منابعی که توسط اشخاص و نویسندگان و دانشمندان دیگر در مورد درس پژوهی از جمله: کتب درسی، پایان نامه ها و مقالات، نشریات، روزنامه ها، مجلات، رسانه های عمومی و ... استفاده شده است. ابزار ما در این تحقیق فیش برداری از منابع دست دوم بوده است.

ج - نتیجه گیری/تأیید، است.

الف - تلخیص داده ها: در این مرحله، آرا و نظرات اندیشمندان و صاحب نظران در مورد موضوع پژوهش با توجه به سؤالات تحقیق، خلاصه و سازماندهی شده اند و از تکرار مطالبی که ممکن است از منابع مختلف اخذ شده باشند، ممانعت به عمل آمده است.

ب - عرضه داده ها: در این مرحله، اطلاعات مهم و مرتبط به هم در یک مجموعه به هم پیوسته و سازمان دهی شده، با توجه به سرفصل های تعیین شده، تنظیم و ارائه شده اند تا بتوان بر اساس آن ها به نتیجه گیری مستدل و مستند پرداخت.

ج - نتیجه گیری/تأیید: در این مرحله است که پاسخی روشن و شفاف در خصوص هر یک از سؤالات تحقیق به صورتی جامع و کامل گردیده است. در این صورت در تحقیق حاضر که پژوهشی کیفی است، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است، زیرا از طرفی در پی توصیف و شناخت شرایط موجود و از طرف دیگر در پی تحلیل و کشف عناصر و مفاهیم اصلی در نظریات محققان، پژوهشگران و مولفان در زمینه موضوع پژوهش بوده است (چمل نژاد، 1393).

3. بحث اصلی:

3 - 1 راهکارهای موثر برای ارتقای کیفیت آموزش و پرورش:

نظامهای آموزشی به عنوان بارزترین نمود سرمایه گذاری نیروی انسانی در زمینه شکوفایی در جامعه، نقش اصلی را برعهده دارد. امروزه این نظامها سهم قابل توجهی از بودجه هر کشور را به خود اختصاص داده و با توجه به اهمیت و نقش آن در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه ضروری است در جهت بهبود کیفیت نظامهای آموزشی اقدامات اساسی صورت بگیرد و از هدر رفتن سرمایه های انسانی و مادی جلوگیری شود (ناظم، 1382).

با توجه به ضرورت ارتقای کیفیت آموزش و پرورش جهت نیل به اهداف توسعه آموزشی کشور، راهکارهای مختلفی در ارتقای کیفیت آموزش و پرورش تاثیر دارند که می توان آنها را در دو گروه درون سازمانی و برون سازمانی تقسیم کرد:

3 - 1 - 1 راهکارهای درون سازمانی:

- این عوامل از درون مجموعه نظام آموزش و پرورش موجب ارتقای کیفیت خدمات آموزشی و پرورشی می شوند، نظام آموزشی می تواند با مدیریت کارآمد و موثر، نقشی مهم در اجرای این راهکارها دارد. از آن جمله:
- تجهیز مدارس و مکانهای آموزشی به امکانات و تجهیزات متنوع از جمله فناوری های نوین آموزشی و تجهیزات آزمایشگاهی؛
 - فراهم کردن امکانات آموزش، مشاوره و راهنمایی معلمان و تدوین سیاستهای پیشرفت و ترقی آنان؛
 - به حداقل رساندن تراکم کلاسی در مدارس علی الخصوص پایه های ابتدایی؛
 - برنامه ریزی در جهت تقویت همکاری و مشارکت اولیای دانش آموزان برای کمک به ارتقای کیفیت فعالیت های آموزشی و پرورشی، از جمله برگزاری مداوم کلاسهای آموزشی و توجیهی؛
 - توجه و تاکید عملی به اجرای کامل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش همسو با برنامه درسی ملی؛
 - استفاده از روش های تدریس پیشرفته و فعال و ترک روش های منفعل سنتی از جمله سخنرانی و نیز استفاده از روش های ارزشیابی جدید به منظور تعمیق یادگیری در دانش آموزان؛
 - تاکید بر پرورش همه جانبه دانش آموزان در ابعاد علمی، اجتماعی، اخلاقی و جسمی و پرهیز از هرگونه یک جانبه نگری در آموزش و پرورش؛
 - تعامل سازنده با ادارات و مراکز معتبر آموزشی از جمله سازمان پژوهش و برنامه ریزی جهت استفاده از بانک اطلاعاتی و تجربیات آنها؛
 - جذب و گزینش مدیران موثر و کارآمد در فرایند آموزش و پرورش براساس اصل شایسته سالاری (اعم از ستادی، استانی و منطقه ای)؛
 - برگزاری کلاسهای فوق برنامه و مکمل و جبرانی جهت ارتقای آموزشی دانش آموزان؛
 - تعامل موثر و مستمر همکاران آموزگار با سرگروه های درسی جهت توانمند سازی خویش در فرایند تدریس؛
 - تاکید بر فعالیتهای پرورشی در کنار فعالیتهای آموزشی جهت رشد اخلاقی و اجتماعی و جسمی دانش آموزان، از جمله تشکلهای دانش آموزی؛
 - توجه به دروس عملی و کاربردی در کنار دروس نظری محض در آموزش و پرورش؛
 - استفاده از یافته های جدید روانشناسی پرورشی در فرایند تدریس علی الخصوص استفاده از روش های تغییر رفتار براساس اصل تقویت و پاداش؛

- جذب دبیران و معلمان متخصص و متعهد و رعایت اصل عدالت در ارتقای شغلی آنان و نیز استفاده از اصل پاداش جهت تشویق و انگیزه دهی به آنان؛
- تربیت معلمان و سایر عوامل آموزشی و پرورشی بر اساس یافته های جدید علمی و روانشناسی تربیتی با تکیه بر اصل تعامل سازنده با دانشگاه ها؛
- حاکم کردن فرهنگ سازمانی موثر و کارآمد و جو عاطفی مناسب در فضاهای آموزشی؛
- تعامل دوجانبه و مستمر کلیه عوامل آموزشی اعم از مدیر، معاون و آموزگار در مدرسه جهت اجرای فعالیت های آموزشی؛
- برنامه ریزی جهت اجرای آزمون های چند مرحله ای و مسابقات علمی، فرهنگی، ورزشی، تربیتی و ... به منظور ایجاد انگیزه در دانش آموزان؛
- برنامه ریزی جهت استفاده بهینه از کارگاه های IT توسط دانش آموزان ششم و معلمان
- برنامه ریزی در جهت بسط و گسترش فرهنگ تحقیق و پژوهش در بین دانش آموزان و تعیین رابط پژوهشی در هر آموزشگاه به منظور ایجاد ارتباط فعال با پژوهش سراهای دانش آموزی؛
- آسیب شناسی علل افت تحصیلی در دروس مختلف و اعمال تدابیر لازم و کاربردی جهت رفع مشکلات با همکاری گروه های آموزشی مدارس؛
- شناسایی دانش آموزانی که در پایه های مختلف با استفاده از تبصره قبول شده اند و اتخاذ تدابیر لازم در جهت تشکیل کلاس های تقویتی و فوق برنامه برای آنان؛
- تحلیل کمی و کیفی نتایج امتحانات در نوبت های اول و پایان سال به تفکیک پایه و رشته تحصیلی، شناسایی آسیب های موجود و ارائه راه کارهای اجرایی؛
- برنامه ریزی در جهت تقویت همکاری و مشارکت اولیای دانش آموزان برای کمک به ارتقای کیفیت فعالیت های آموزشی و پرورشی مدارس؛
- برنامه ریزی در جهت تشکیل مستمر شورای دبیران به منظور بحث و تبادل نظر و هماهنگی در امور آموزشی، پرورشی و اداری مدارس و تأمین مشارکت معلمان در حسن جریان آموزشی و پرورشی و اداری مدارس؛
- برنامه ریزی در جهت ایجاد ارتباط صحیح و مستقیم دو سویه بین دانش آموزان و اولیای مدارس از طریق تقویت تشکل های دانش آموزی؛
- اتخاذ تدابیر لازم جهت بهره گیری مناسب از کتابخانه های مدارس و زمینه سازی توسعه و تجهیز آنها؛
- اجرای فعالیت های فوق برنامه طبق دستور العمل های مربوطه و جذب دبیران توانمند، فعال و علاقه مند؛
- برگزاری کلاس های تقویتی جهت بهبود وضع درسی دانش آموزان؛
- اعطاء جوایز به نفرات اول تا سوم درسی هر کلاس؛
- حذف نابرابری های آموزشی و رتبه بندی رایج آموزشی از لحاظ کیفیت ارائه خدمات آموزشی و لزوم توجه برابر و عادلانه از لحاظ بودجه و امکانات به کلیه مدارس اعم از دولتی، نیمه دولتی، هیئت امنایی، غیرانتفاعی، شاهد و ...
- بهره گیری از دستاورد های اخلاقی، علمی و فنی و اتخاذ تدابیر و شیوه های لازم در فراهم آوردن زمینه مناسب برای تجلی بروز استعدادها و تبدیل مدارس به فضائی بالنده و خلاق؛
- انعطاف پذیری در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه های آموزشی با توجه به مسائل جاری و قابلیت های منطقه ای؛
- ارائه مطالب آموزشی با استفاده از آخرین وسایل و امکانات تکنولوژی آموزشی از جمله پروژکتور و اسلایدهای آموزشی (حاجی حسینی، 1396).

3- 1- 2 راهکارهای برون سازمانی؛

- این عوامل بر خلاف عوامل درون سازمانی از بیرون نظام آموزش و پرورش کیفیت خدمات آموزشی و پرورشی را تحت تاثیر قرار می دهند و اجرای آنها در اختیار نظام آموزشی نیست، اما نظام آموزشی می تواند با تعامل سازنده با دیگر نهادهای اجتماعی، نقشی موثر در اجرای آنها داشته باشند. از آن جمله:
- تخصیص بودجه و منابع مالی کافی جهت انجام امور آموزشی و پرورشی از طرف دولت؛
- تعامل وزارت آموزش و پرورش با سایر وزارتخانه ها جهت تعیین و سیاستگذاری و تحقق اهداف کلان نظام جمهوری اسلامی ایران، از جمله وزارت بهداشت و جوانان؛
- تعیین اهداف کلان دوره های تحصیلی مختلف براساس نیازهای جامعه، فراگیران، علوم معاصر و واقعیت های حاضر و پرهیز از هرگونه آرمان گرایی تخیلی گرایانه در انتخاب اهداف آموزشی؛
- استفاده از تجارب آموزشی سایر وزارتخانه ها و ادارات، جهت کیفیت بخشی به امور آموزشی، از جمله استفاده از تجارب کارشناسان بهداشت در فرایند تدریس درس بهداشت؛

- تامین معیشت مالی معلمان و نیازهای آنان و نیز اعتباربخشی به شغل معلمی موازی با سایر مشاغل دولتی؛
- تغییر نگاه مصرف گرایانه به آموزش و پرورش به نگاه سرمایه ای آموزش و پرورش؛
- توجه به اصل تمرکززدایی نظامهای آموزشی و تعیین اهداف و سیاستهای منطقه ای نظام آموزش و پرورش همسو با سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران؛
- کاهش مشکلات اقتصادی مردم، مثل: گرانی مایحتاج زندگی، تورم و بیکاری، که اینها عوامل زشت و شومی هستند که بر فرآیند یاددهی-یادگیری تأثیر نامطلوب گذاشته و بسیاری از دانش آموزان و معلمان را دچار سستی و نگرانی از آینده مبهم کرده است؛
- تعامل سازنده با دانشگاهها و موسسات عالی و استفاده از تخصص اساتید دانشگاه در فرآیند طراحی، اجرا و ارزشیابی آموزشی و نیز استفاده از یافته های پژوهشی پژوهشگران در رفع نارساییهای آموزشی و ارتقای کیفیت آموزشی؛ (بهارلو، 1396)

3 - 2 چالش های فراروی دستیابی به کیفیت آموزشی :

الف) معلمان:

- باورها و تفکرات سنتی در مورد رسالت و نقش معلمان. نگرش نامناسب رده های برنامه ریزی و سیاست گذاری نسبت به معلمان. کاهش شأن و جایگاه حرفه ای معلمان در جامعه. کاهش جاذبه شغلی معلمی بدلیل کاهش منزلت اجتماعی معلمان. بی توجهی نسبت به مشارکت معلمان و برنامه درسی. پایین بودن کارایی معلمان بدلیل فقدان انگیزه. تمام وقت نبودن - عدم صلاحیت علمی و تدریس. ناکارآمدی نظام گزینش و تربیت معلم و دوره های آموزش معلمان. سیستم ارزشیابی نامناسب از عملکرد معلمان. بی توجهی به رفاه معلم و فقدان شبکه حمایتی (کونت و لارس، 1372).

ب) مدیریت و ساختار تشکیلات:

عدم درک مدیریت علمی برای حل مسائل و مشکلات آموزشی. نظام گزینش و انتصاب و ارتقاء شغلی در پستهای مدیریتی بر اساس صلاحیت های حرفه ای و شایستگی های علمی و تخصصی انجام نگرفته بلکه بیشتر بر اساس تفکر ذهنی و مجرد و سیاسی، قومی قبیله ای و گروهی صورت می گیرد. ناتوانی سیستم در جذب و نگهداشت نیروهای کیفی. مدیریت اقتدارگرا و آمرانه و غیر پاسخگو و عدم طراحی و اجرای نظام مدیریتی پاسخگو. فقدان نظارت و ارزشیابی و کنترل کیفی. تمرکزگرایی و دیوان سالاری در بخش مدیریت. عدم استفاده بهینه از منابع اختصاص یافته به آموزش و پرورش به دلیل مدیریت غیر علمی و غیر صلاحیت مند و اتلاف سرمایه. توزیع نامتوازن و نامناسب نیروی انسانی برای تداوم مهاجرت و فعل و انفعالات جمعیت دانش آموزی و جامعه معلمان و ناتوانی در پوشش مناسب آنها در مناطق مختلف. وضع آیین نامه های خشک و انعطاف ناپذیر و غیر شفاف و بوروکراسی گرایانه. (عمادزاده، 1379).

ج) برنامه های درسی و آموزشی:

برنامه درسی غیر پویا، نامناسب و منتقل کننده اطلاعات دست دوم و حافظه مدار و نتیجه مدار. با کمترین توجه به نیازهای واقعی دانش آموزان در همه سطوح. نظام برنامه درسی کاملاً متمرکز و همگانی و انعطاف ناپذیر و بی توجهی به تفاوتها اقلیمی - قومی - فرهنگی و تفاوتهای فردی و روانشناختی دانش آموزان. نظام برنامه درسی پاسخ مدار، حافظه مدار و مقاوم در برابر مشارکت معلمان و نوآوری های آموزشی و فن آوری اطلاعات و ارتباطاتی. پاسخگو نبودن برنامه ها و روش ها به نیازها و اقتضانات جدید آموزشی و انتظارات جامعه و خانواده. نبودن نظریه مشخص و مناسب در حوزه برنامه درسی، وجود تعارض های ارزشی، نگرشی و دیدگاهی در فلسفه تربیتی حاکم بر نظام آموزشی. عدم جامعیت برنامه ها در آموزش مهارت های مورد نیاز و ضروری (مهارت های حرفه ای و شغلی - حقوقی و وظایف شهروندی، سواد رسانه ای، آموزش و دموکراسی و تربیت مدنی). روشهای یک رویه در آموزش و فقدان انعطاف در روشهای یاددهی - یادگیری و عدم استفاده از روش های فعال فراشناختی متکی به هنر، مشارکت و حل مسأله و... از سوی مدیران یادگیری. تأکید بر امتحانات و ارزشیابی های نتیجه مدار و تراکمی و صرفاً کمی و ارائه بازخورهای ناکافی و ناقص در مورد یادگیری دانش آموزان از مهمترین آسیب های برنامه درسی می باشد. (بازرگان، 1372).

د) تأمین و تخصیص منابع:

ناکارآمدی نظام تأمین و تخصیص و توزیع منابع مالی و انسانی. پایین بودن نسبت اعتبارات دولت برای آموزش و پرورش نسبت به تولید ناخالص ملی (G.N.P) کاهش توأم با نوسان های شدید مهم اعتبارات دولت برای آموزش و پرورش در بودجه عمومی کشور و در بودجه امور اجتماعی. کاهش اهمیت سرمایه گذاری در نیرو انسانی و آموزش و پرورش. فقدان توازن و تعادل در تخصیص هزینه سرانه آموزشی برای سطوح مختلف (ابتدایی - راهنمایی - متوسطه و عالی). کمبود شدید اعتبارات برای هرگونه نوآوری و ابتکار و سرمایه گذاری جدید. (یزدان پناه، 1382).

3 - 3 چشم انداز و وضعیت مطلوب :

الف) در بخش معلمان:

ارتقاء منزلت اجتماعی و سازمانی معلمان از طریق حرفه ای و تخصصی شدن معلمی و اشتغال تمام وقت معلمان و بازنگری اساسی در نظام پرداخت حقوق و مزایا و ارائه تسهیلات و امکانات رفاهی و معیشتی، تدوین نظام جامع گزینش و جذب نیرو بر اساس معیارهای علمی، تحول در رویکردها و برنامه های تربیت معلم و حذف رویکردهای بوروکراتیک و تحقیر کننده معلمان در نظام اداری از شرایط لازم برای دستیابی وبه وضع مطلوب در زمینه نیروی انسانی خواهد بود- برگزاری مجامع عمومی معلمان ؛ تهیه کتب ؛ تهیه سی دی های کمک آموزشی ؛ بازدید از مراکز صنعتی علمی و تحقیقاتی ؛ اجرای برخی جشنواره ها و مسابقات و فراخوانها و تشکیل کارگاههای آموزشی، الزام سازمانها و ادارات در اختصاص دوره های ضمن خدمت برای اعضای گروههای استان و شهرستانها و مناطق بخصوص دوره های نقد و بررسی و تحلیل کتب درسی ؛ طرح ها و برنامه های دوره تحصیلی و شیوه های نظارت و راهنمایی همانند دوره های مدیران جدید الانتصاب (حسینی سروری، 1378).

ب) در زمینه برنامه های درسی و آموزشی :

ایجاد زمینه مناسب برای متحول شدن فرایند یاددهی - یادگیری در جهت خود انگیخته شدن دانش آموز. وجود وقت مناسب برای یادگیری معنادار و مستمر و مبتنی بر تفکر و توسعه استعدادهای چند گانه. استفاده از رویکردهای نوین در تدوین و اجرای برنامه ها با تاکید بر مداومت و تعالی جویی دانش آموز در یادگیری و تربیت انسان فرهیخته با تاکید بر ویژگیهایی چون تقویت ذهن پرسشگر ، کنجکاو ، شیفته یادگیری و برخوردار از سواد چند گانه ، شهروندی موثر و کارآمد و متخلق بر اخلاق انسانی ، استقرار نظام ارزشیابی فرایند مدار ، تکوینی ، مستمر ، تحولی نگر و پاسخگو و قابل ارزیابی بودن برنامه ها . تامین اعتبار برای اجرای برنامه های پیشنهادی گروههای آموزشی، واگذاری تدوین بخشی از محتوای درسی دانش آموزان هر استان به گروههای مناطق و استان که طی فرایند تعامل معلمان و دانش آموز و مشارکت بیشتر را حاصل نماید. طراحی یک فرایند آسیب شناسی و نقد و بررسی شیوه های تدریس معلمان ؛ شیوخ های ارزشیابی معلمان ؛ شیوه های ارائه فعالیت های خارج کلاس دانش آموزان کاربرد تکنولوژی در آموزش توسط مناطق و استان و ارائه راهکارهای بومی برای رفع موانع و اشکالات. در بخش جایگاه مدیریت و ساختار و تشکیلات و تامین منابع، مواردی از قبیل : تعریف و تقویت جایگاه تخصصی و حرفه ای مدیریت آموزشی (عزیزی، 1379). حذف تشکیلات موازی و ناکارآمد و ایجاد هماهنگی و انسجام بین بخشی و فرباشی و طراحی برنامه های راهبردی کلان نگر. گسترش بینش علمی - پژوهشی و پژوهش مداری و آینده نگر در تصمیم گیریها و سیاست گذاریها. تنظیم نظام کنترل کیفی علمی و بهره گیری از ساختارها و مدیریت پاسخگو و قابل حسابرسی. در بخش تخصیص منابع و هزینه ها (تورانی، 1380).

3 - 4 استفاده از رسانه آموزشی به منظور کیفیت آموزشی

امروزه نمیتوان نقش رسانه های آموزشی را بر آینده جامعه کم اهمیت شمرد. بنیه علمی، پیشرفت تحصیلی، توسعه یادگیری و ارتقای کیفیت فرآیند یاددهی یادگیری همگی به رسانه های آموزشی وابسته است. هنگامی که معلمان از سبک های یادگیری دانش آموزان شناخت داشته باشند می توانند از انواع مختلف و متنوع رسانه های آموزشی و فن آوری اطلاعاتی مناسب، سازگار و هماهنگ با تدریس استفاده نمایند تا بیشترین تأثیر را در یادگیری فراگیران داشته باشد و منجر به بهبود و یادگیری پایدارتر گردد. رسانه آموزشی هماهنگ با تدریس، موجب بیشترین تأثیر در یادگیری فراگیران داشته باشد و منجر به بهبود و یادگیری پایدارتر گردد. بهبود استفاده مؤثر از زمان، منابع و ظرفیت های موجود آموزش موجب گردیده تجارب آموزشی پربازده و لذت بخشی را برای معلمان و دانش آموزان خلق نماید. رسانه آموزشی باید از نظر کمی و کیفی تجارب احساسی، اجتماعی، شناختی و فیزیکی ضروری را در اختیار یادگیرندگان قرار دهد تا در زمان های مناسب به بهترین وجه آنان را رشد دهد. به گونه ای که نه تنها معلم بلکه دانش آموز هم در انتخاب نوع رسانه ی آموزشی مناسب سهیم باشد و با رسانه های مختلف و کاربرد آنها آشنایی لازم را کسب نماید. کاربرد رسانه سبب ایجاد نگرش مثبت در فراگیرندگان، تشویق و انگیزه بخشی به آنان در بر ارتقا کیفیت یادگیری خویش مؤثر باشد. نقش آموزش در بهینه سازی تدریس و یادگیری مؤثر، حاکی از آن است که همگی به این نتیجه رسیده اند که استفاده و کاربرد صحیح با آگاهی و شناخت از رسانه های آموزشی موجب غنی تر شدن محیط های آموزش و یادگیری شده و همچنین باعث انگیزه، سرعت، دقت دانش آموزان می شود. نقش رسانه ها در افزایش اثر بخشی و کیفیت آموزش و همچنین بهبود و تسهیل یادگیری، روشن و آشکار است. به کمک تصاویر و انیمیشن های آموزشی، معلم می تواند مفاهیم را بهتر به دانش آموزان بیاموزد و باعث افزایش سرعت و کیفیت تدریس شود. معلمان قادرند از کمترین امکانات بیشترین بهره را ببرند و با ساده ترین ابزارهایی که در محیط قابل کشف است، شوق انگیزترین یاددهی ها را عرضه بدارند. معلم حرفه ای باید بتواند رسانه های آموزشی را خوب بشناسد و مطابق با شرایط آن ها را به کار گیرد. هر رسانه ی آموزشی قابلیت های خاص خود را دارد (رضوی، 1390).

4. نتیجه گیری:

نگاهی دقیق و ژرف اندیشی مضاعف به نقش آموزش و پرورش به عنوان نهاد تعلیم و تربیت رسمی در جهت توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، ایجاب می نماید که به طور جدی به مقوله کیفیت خدمات آموزشی ارائه شده در نظامهای آموزشی پرداخته شود. کیفیت مهمترین معیار توسعه آموزش و پرورش است. موضوع کیفیت در اکثر نظامهای آموزشی به یکی از مفاهیم اساسی در سیاست گذاری های کلان آموزشی تبدیل شده است. و از این رو کیفیت گرایی به منزله مرحله مهمی از تاریخ تحولات آموزش و پرورش مطرح شده است. کیفیت در حال حاضر یکی از محورهای اصلی همه مباحث آموزشی است و ارتقای آن مهمترین وظیفه وزارت آموزش و پرورش است.

مفهوم کیفیت در آموزش و پرورش مفهومی چند پهلو، مشتبه کننده و مبهمی است. به همین دلیل معیارهای متفاوتی برای قضاوت درباره کیفیت مدارس و آموزش و پرورش معرفی شده است. کیفیت آموزشی انجام تغییرات مورد نظر در دانش آموزان به صورت مطلوب و موفقیت آمیز است. و یک مفهوم چند بعدی است که شامل ابعاد کارکردها و فعالیتهای مدرسه، معلمان و دست اندرکاران آموزشی، دانش آموزان و مخاطبین و امکانات و تجهیزات آموزشی است.

با توجه به نتایج پیشنهاد می شود به عوامل مؤثر بر کیفیت مدارس به صورت تفکر سیستمی نگاه کرد و همه ی عوامل را به صورت سیستمی در نظر گرفت. تا هیچ یک از عوامل نادیده گرفته نشود و در ارزیابی کیفیت مدارس علاوه بر نشانگرها و شاخص های کمی (نرخ قبول، مردودی ...) به معیارهای کیفی (کیفیت تدریس، خلاقیت، مسئولیت پذیری) توجه شود. امکانات، تجهیزات و نیروی انسانی (معلمان) به صورت عادلانه در میان مدارس مناطق مختلف تقسیم بندی شود. در تدوین اهداف به کثرت گرایی (فرهنگ های مختلف، قومیت ها، زبان ها، مذهب ها و جغرافیا) توجه شود. در تدوین اهداف بیشتر تأکید بر کارهای عملی، کارگاهی و پژوهشی شود تا صرفاً بر مباحث تئوری و حفظی. نگرش و فرهنگ جامعه در رابطه شأن و مقام معلم تغییر کند که این امر از طریق حمایت های مالی دولت و فرهنگ سازی توسط رسانه های عمومی امکان پذیر است. آموزش ضمن خدمت معلمان براساس نیازسنجی (آموزش روش های نوین تدریس، آموزش نرم افزارها و برنامه های آموزشی جدید و ...) برگزار شود. معلمان که استخدام می شوند بعد از دو سال آزمایشی اگر عملکرد خوبی نداشتند باید تعدیل گردند.

منابع:

- امیری، فرزاد و بهجتی اردکانی، محمدعلی. (1382). بررسی ساختار و چگونگی استقرار و ارزیابی نظام مدیریت کیفیت فراگیر در موسسات آموزشی. مجموعه مقالات همایش مدیریت کیفیت فراگیر در آموزش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن
- بازرگان حسین. (1372). ارتداد. قم: بوستان کتاب. سوم.
- بازرگان، عباس وسرمد، زهره و حجازی، الهه. (1391). روش های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر آگه
- بلیکی، نورمن. (1391). طراحی پژوهش های اجتماعی، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی
- بهارلو، منیژه. (1396). بررسی کیفیت آموزش و پرورش و ارائه راهکارهایی جهت ارتقای آن، همایش علمی پژوهشی استانی راهبردها و راهکارهای ارتقاء کیفیت در آموزش و پرورش، میناب
- تورانی، مهدی. (1380). روش خودسازی. قم: بوستان کتاب. دوم.
- چمل نژاد، مرتضی. (1393). درس پژوهی پارادایمی نو در آموزش و پرورش، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران
- حاجی حسینی، اعظم. (1396). راهبردها و راهکارهای ارتقاء کیفیت آموزش و پرورش در مقطع ابتدایی، همایش علمی پژوهشی استانی راهبردها و راهکارهای ارتقاء کیفیت در آموزش و پرورش، میناب
- حبیبی، حمدالله؛ پرداختچی، محمدحسن؛ ابوالقاسمی، محمود و قهرمانی، محمد. (1392). بررسی جو یادگیری محور مدرسه و ارتباط آن با اثربخشی مدرسه. پژوهش های آموزش و یادگیری، دانشگاه شاهد، 20(3)، 118-101.
- خسروجردی، نرجس و محمودی، مسعود. (1393). مدرسه، خانهای امن برای زندگی کردن و زندگی آموختن. نهمین سمپوزیوم پیشرفت های فناوری. مشهد، 29 آبان، کمسیون اول: همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت خوانش هویت ایرانی
- خلخالی، علی؛ قهرمانی، شهربانو. (1391). مدیریت کیفیت جامع، پیش بینی مقدار نهادی سازی کیفیت در مدارس. فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، 3(2)، 1 تا 20.

- ربیعی، مجید. (1387). مدیریت فرایندمدار در مدرسه. مجله مدارس، 3(4)، 23-28.
- رضوی، سیدعباس. (1390). تعامل در محیط یادگیری الکترونیک. درج شده در ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی. رشد تکنولوژی آموزشی شماره 3. (دوره 27). شماره 219.
- سالاری، معصومه. (۱۳۹۶). راهکارها و راهبردهای ارتقاء کیفیت در مقاطع آموزشی، دهمایش علمی پژوهشی استانی راهبردها و راهکارهای ارتقاء کیفیت در آموزش و پرورش، میناب
- شاهدوستی، لیلا. (1390). نقش متغیرهای محیط خانه، پیشینه دانش آموز، جو مدرسه و فرایند تدریس در پیشرفت ریاضی دانش آموزان پایه سوم راهنمایی براساس مطالعات تمیز (2007). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان تبریز- ایران.
- عزیزی، حمدالله. (1379). قطره ای از دریا. ترجمه: ابراهیم سید علوی / انتشارات رسالت قلم: سوم
- عمادزاده سعید. (1379). وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول
- کاکوجوبیاری، علی اصغر؛ سلسبیلی، نادر و پرتو، ناصر. (1382). *سند و منشور اصلاح نظام آموزش و پرورش ایران*، پیش نویس دوم. نشر، وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت
- کونت و لارس (1372)، تحقیق در دو نظام حقوقی جهانی بشر، از دیدگاه اسلام و غرب، دفتر خدمات حقوق بین الملل جمهوری اسلامی، چاپ اول
- محمدی، بیوک. (1390)، درآمدی بر روش تحقیق کیفی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، مطالعات فرهنگی
- ناظم، فتاح. (1382). مجموعه مقالات همایش مدیریت کیفیت فراگیر در آموزش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، 1382
- ندیمی، محمد تقی و بروج، محمدحسین. (1380). آموزش و پرورش ابتدایی-راهنمایی تحصیلی و متوسطه. تهران: انتشارات مهرداد
- یمنی، محمد. (1375). تحلیلی از مفهوم کیفیت در آموزش و پرورش ایران. پژوهشنامه علوم انسانی، شماره 19، 204198
- یزدان پناه، محمد علی. (1382)، تاریخ سیاسی صدر اسلام؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول.

Lai Fong Cheng, A. & Keung Yau, H. (2011). "Principals' and teachers' perceptions of quality management in Hong Kong primary schools". *Quality Assurance in Education*, 19(2), 170-186.

Uline, C., & Tschannen-Moran, M. (2008). "The walls speak: The interplay of quality facilities, school climate, and student achievement". *Journal of Educational Administration*, 46(1), 55-73.